

بنام خدا

در این شماره به دنباله گزارش از
سمینار بررسی مسائل روستایی "جهاد
- سازندگی" سخنان آیت‌الله موسوی اردبیلی
و همچنان گزارش از کمیسیون "عمران
روستایی" که توسط برادر جعفری از اعضا
کمیسیون تهیه شده، می‌آوریم و در شماره‌های
آینده دنباله مطالب از ناطقین سمینار و
کمیسیونها گریخته آن درج خواهد شد.

سخنرانی آیت‌الله موسوی اردبیلی در «سمینار مسائل روستایی»

صحبت درباره مهاجرت بدون بررسی مسائل روستایی بحث کردن در معلول ورها کردن علت است

جریا شدم، گفتند: این شخص مفرش رشد نکرده
است از لحاظ بدن و اندام رشد زیادی داشت
اما از لحاظ فکر و مغز رشدی نداشت، عدم تناسب
این است.

باید فرهنگ اصیل روستا را در روستا ترویج
کرد، در زبان، آداب و سنن، از نواج کردن، برخورد،
مهمانی، و لباس پوشیدن روستایی باید اصلتها
را حفظ کرد و عواملی را که مزاحم این اصلتها هستند
باید دفع کرد.

در ایران روستایی زندگی نمی‌کند، زندگی ای
می‌کند که حتی نام مرگ هم بر آن نهادن زیادی است،
زندگی روستایی، زندگی بی بهداشت، بی آموزش،
فاقد دارو، فاقد غذای کافی و بدون امنیت شغلی
است.

خان و خان زدگی

شما وقتی که بحث از روستا و روستایی می
کنید، طبعاً بحث از کشاورزی میکنید، و زمین و آب
هم مورد بحث است. روستاییان الان همه روزه
با اکثر روزها طبق روال خودشان زن و مرد و بچه
هایشان بصورت یک خانواده و ده و پنجاه خانواده
می‌آیند اینجا، میگویند: زمین ما را گرفته‌اند، می
برسیم چه کسی زمین شما را گرفته است؟
- میگویند خان! می‌گویند مگر ده شما خان دارد؟
می‌گویند، البته ده مانیست ۳۰ ده آنقدر است ولی

روستا بپرید، فرهنگی که بشراط محیط زندگی
روستاییان قابل تطبیق نیست، این کار تیشه بودن
تناسب اندام یک انسان است.

در نجف شخصی را دیده که از لحاظ اندام، یک
انسان خوش قیافه و خوش تیپ بود ولی حرکاتش

ما در روستاها مسائل زیادی
داریم که مسئله زمین فقط یکی
از مسایل مشهود آن است و باید
منتظر باشیم که مجلس شورای
اسلامی حکم این مسایل را
روشن کند، متأسفانه هنوز این
احکام روشن نشده است.

مانند بچه ها بود یک نفر مریبی آن شخص بود، این
مریبی هرکاری میکرد، او هم همان کار را میکرد حتی
در نماز خواندن هم منتظر بود ببیند آن شخص (مریبی)
بلند شده است تا او هم بلند شود من علت این امر را



بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين
در انتخاب نام و موضوع این سمینار، حسن
سلیقه بخرج دادید، نامی است که جذب دارد، ماهمه
می دانیم نصف جمعیت ایران روستایی و
روستائین هستند و اکثر مستضعفین مالی و
فکری، فرهنگی، اقتصادی جامعه اند، البته اینها تنها
مشخصه جامعه مانیست، در جامعه استعمارزده همین
مشخصه را دارد. گروهی فاقد هرگونه خدمات و
سرویس و بهره گیری از امکانات، برتلاقی و
کوشش از بزرگ و کوچک، مردوزن کار میکنند،
سهم اینها از زندگی فقط کار بر مشقت و برزحمت و
عذاب است، اما هیچگونه رفاهی و خدماتی و
امکاناتی حتی وسایل اولیه ای که مورد نیاز طبیعی
هر انسان است از قبیل آب سالم برای نوشیدن، وسایل
تقلیه برای حمل بیمار، وسیله مخابراتی جهت کسب
خبر از شهرستان، امکانات آموزشی و تربیتی
درواقع فراغت فرزندان روستاییان، ندارند.

ضرورت کار فرهنگی روستایی:

این یک کار بسیار ظریفی است، یک وقت از
روی بی سلیقگی می خواهید فرهنگ شهر را به

نمایندگان وزارتخانه ها بخصوص وزارت نیرو
عنوان می کردند که در حال حاضر اکثر پیمانکاران
موجود از رفتن به روستاها و ارائه خدمات روستایی
امتناع می نمایند.

می شود بهترین استفاده را از امکانات کرد. برای
مثال در استان سیستان و بلوچستان که در تابستان
هوا بقدری گرم است که امکان کار نیست، در همان

رنج می برند و حتی از دسترسی به وسایل اولیه کار
ها و طرحهای خودشان بی بهره هستند. اگر می
خواهیم اینها (تعاونیها) بتوانند خوب کار کنند، چون

خان همه این دهات است.

می گویند امام گفت زمینهارا خالی نگذارید.
ما هم رفتیم زمینهارا کاشتیم، سال دوم هم همین
کار را کردیم زمین که رها شده بود، آباد کردیم و
هرکدامیمان در این رابطه زیر بار قرض رفتیم بلکه
بعد از دوسال دیگر بخواهیم بهره اش را برداریم، آقای
خان بایک سند و یک پلاک فرعی آمده است
میگوید: این همه زمین را خدایاری من خلق کرده
است! تاکنون به شما نیاز داشتیم و شما هم رعیت
ما بودید، الان باوجود ماشین بجای نیروی انسانی چه
نیازی به شما داریم!

روستائیان بخاطر همین مسئله یک روزی
جلوی مجلس میروند. یک روزی نامه می به بیت
امام می نویسند، خوب جواب اینهارا چه بدهیم؟
کاری ندارد زمینهارا تقسیم کنید میان روستائینی
که می خواهند کار کنند. و اگر خان هم زمین برای
کار کردن می خواهد، یک مقدار هم به او بدهید.
اما اگر اینکار عملی نمی شود؟ برای اینکه زمانی
زمینهای رامظفرالدین شاه در دست داشت، نمی دانم
چگونه بیابان وسیع تعلق به مظفرالدین شاه پیدا
کرده است؟ چه کسی روی زمین کار کرده است؟ چه
کسی دستش طول زده است؟

مظفرالدین شاه مریض که توان کار کردن روی
زمین را نداشت، آیا کسی به او بخشیده بود؟
مظفرالدین شاه هنگام مرگش همه زمینهار
زمینهارا یک بنده خداداده بود، آیا می توانست همه
زمینهارا به یک آده بدهد؟

دردوران طاغوت به آن شخص گفتند این
زمینها زیاد است، این راسه قسمت کردند، یک مقدار
بصورت خالصه، یک مقدار هم به او و یک قسمت
هم به مردم (منظور از مردم دوفرخان هستند) دادند.
این همه جمعیت که در روستاها هستند چه کار کنند؟
یا کوچ کنند، بیایند در شهر پرتقال فروشی کنند و
حلی آباد درست کنند یا در ده بمانند و در قبال
مقدار مزدی که خان به آنها می دهد، کار کنند. از من
در این مورد سوال کردند من گفتم این سندش باطل
است. مظفرالدین شاه حق دادن چنین زمین را نداشت،
زمینها مال خلق الله است، در بعضی جاها مسئله
پیچیده تر است، برای نمونه در شهرهای گیلان و
مازندران شاه مخلوع گفته بود زمینهای کشاورزی
و زمینهای شهر تعلق به من دارد و هر کس بخواهد
در این مورد خرید و فروش کند باید مقدار معینی

پول به حساب بنیاد پهلوی واریز کند و گرنه سند
برای اونوخته نخواهد شد و یا چالوس، نوشهر و نور
مدتها بعد از انقلاب به ما گزارش می دارند که هنوز
در اینجا به حساب آن بنیاد از مردم پول میگیرند، که
ما گفتم از این کار جلوگیری بکنند مادر روستاها
مسائل زیادی داریم که مسئله زمین فقط یکی
از مسائل متعدد آن است و باید منتظر باشیم که
مجلس شورای اسلامی حکم این مسایل را روشن
کند، بعد به دولت اعلام کنند که متأسفانه هنوز این
احکام روشن نشده است.

شورای عالی قضایی از باب ناچاری یک
بخشنامه ای در این باره صادر کرد که مقداری

**روستائیان هم روزه یا اکثر
روزها طبق روال خودشان زن و
مرد و بچه هایشان می آیند اینجا
و میگویند: زمین ما را گرفته اند
می پرسیم چه کسی؟ می گویند
خان! می گوییم مگر ده شما خان
دارد می گویند: ده ما نیست ۳۰
ده آن طرفتر می باشد ولی خان
همه این دهات است!!**

گارسازی بود. از باب ناچاری قرار شده ماینروزه
یک بخش نامه دیگری صادر کنیم که تازمائی که
قانونی در این باره در مجلس شورای اسلامی به
تصویب نرسیده، دادگاهها و دادسراها دست به احکام
زمینهای مزروعی نزنند

مسئله مشاغل روستائیان:

اخیرا یکی از برادران که از سفر چین بازگشته بود
می گفتند: در چین صنایع دستی، صنایعی که کم به
نیروی انسانی احتیاج دارد، به روستاها برده اند
تا کشاورزان در چین اینکه به کشاورزی می بردازند
در زمینه صنعت هم کار کنند.

این برنامه راسا ۱۵ سال پیش در دهات

آذربایجان پیاده کردیم، با توجه به اینکه امکانات
بسیار کمی داشتیم اما نتیجه بسیار خوبی گرفتیم.
روستائیان در ایران اکثر اوقات سال را بیکار هستند،
این بیکاری روستائیان را خسته، پوسیده و به ستوه
می آورد که سالی یک ماه، دوماه و چندماه به شهر
آمدن آشنا شدن به محیط شهری انگیزه مهاجرت
در آنها را افزایش می دهد. که این خود یکی از عوامل
هجرت روستائیان به شهرها است.

اگر انسان کارهایی که متناسب کار روستایی
است از قبیل آبداری، نگه داشتن حیوانات و
کارهای دستی، فرش بافی، جوراب بافی و ... را
در روستاها ایجاد کند، موجب میشود تا از بیکاری
روستائیان کاسته شود بدینوسیله هم جلوی بیکاری
گرفته شود و هم کمک خرج روستائیان باشد و هم به
اقتصاد مملکت کمک کند و در نهایت موجب
می شود که نیروهای انسانی روستایی وقتشان را
بیهوده تلف نکنند.

روستائیان ما که حدود نصف جمعیت ایران را
تشکیل می دهند، ببینید ظرفیت و بازده کارشان چه
مقدار است و چه مقدار به هدر می رود؟

روستائیان ما حدود ۳۰ درصد کار می کنند و
۷۰ درصد بقیه را به هدر و بیهوده می گذرانند، که
این ضرر است. این مسائل است که کار، زندگی،
خدمات و فرهنگ روستایی درست نشده است، به
جای این، تهران را ببینید که حظور شده است، که
غیر قابل زیست است.

روستائیان ترجیح می دهند بیایند در اطراف
کرج و جاهای دور سیگار قاچاق بفروشند، ماشین
بایی و پرتقال فروشی کنند ولی در روستا نمانند.
حالا شما برادران جهاد سازندگی چقدر می توانید
با این مشکلات بجنگید و این همه کار را انجام
دهید؟

پیشنهاد به جهاد سازندگی:

اگر در توان خودتان نمی بینید این شصت، هفتاد
هزار روستا را آباد سازید هیچ فکر کرده اید اگر کار
را استانی کنید چه میشود؟

اگر توان، نیرو، بودجه و وسایل لازم جهت آباد
ساختن تمام روستائیان دارید عیبی ندارد اما بعید
است این امکانات را داشته باشید. یک استان را
جهاد از لحاظ آب، راه، زمین، قنات، معدن، آموزش،
بهداشت، مخازن آب و ... آباد کند، که وقتی انسان وارد
بقیه در صفحه ۷۰

واحد حفاری ...

پس از راه اندازی و (در بیشتر موارد) تعمیرات اساسی بکار گرفته شده اند.

در تامین تدارکات عملیات حفاری و دیگر عملیات جنبی و تدارکات کارگاههای پشتیبانی مرکزی، نیاز مبرم به خودروهای سبک و سنگین میباشد، ولی اغلب دستگاههای مصادره ای و جمع آوری شده فاقد آن بودند. (که علت آن در مورد شرکتها، خصوصی فروش آنها در اوایل انقلاب و در سازمانهای دولتی عدم بکارگیری این دستگاهها میباشد) که همزمان با بکارگیری تدریجی دستگاهها، جهت تامین خودروها نیز اقدام گردید.

چگونگی تامین خودروهای سنگین

خودروهای سنگین مورد نیاز مانند: کشنده های دستگاه حفاری، تریلر، کمرشکن، جرثقیل، تانکر آب و کامیونهای سنگین با اقدامات و پیگیریهای مستمر از محل اموال مصادره ای شرکتها، خودروهای مستعمل دفتر مرکزی جهاد، تعمیر اساسی کامیونهای مستعمل شرکت ملی شده «پارس کانتینر»، اجازه و خرید تدریجی، صورت گرفته است.

امید است که برنامه ریزی درازمدت واحد، جهت تامین خودروهای تدارکاتی هرچه زودتر تکمیل و همزمان با تحقق دیگر برنامه های پیش بینی شده مانند تامین نیروی انسانی متعهد و متخصص و غیره، یکی از هدفهای مهم پرسنل و مسئولین واحد که دسترسی به حداکثر راندمان ممکن از دستگاههای موجود میباشد تحقق یابد.

چگونگی تامین خودروهای سبک

خودروهای سبک موجود واحد نیز از تعمیر و راه اندازی خودروهای تحویلی از سازمانهای دولتی یا شرکتها مصادره شده و خودروهای تحویلی از تدارکات دفتر مرکزی جهاد سازندگی تامین گردیده است. ناگفته نماند که تصور چگونگی رشد و گسترش واحد سرفاز زمانی قابل لمس خواهد بود که موجودیت اولیه هریک از بخش های واحد با موجودیت کنونی آن مقایسه گردد.

صحبت درباره مهاجرت ...

آن استان شد، ببیند این استان با استانهای دیگر فرق دارد مانند اینکه دو کشور هستند. ما وقتی از سوریه با ماشین به لبنان می رفتیم، یک مرتبه دیدم وارد یک هوا و یک منطقه دیگری شدیم مثل اینکه از یک ویرانی وارد یک آبادی شده ایم، باغهایی از میوه و انار و غیره بقدری منظم و عالی، درختهای خوب، راه بسیار خوب، ساخته بودند، من از راننده سوری پرسیدم شما چرا اینطوری هستید، اگر آدم ابتکاری نداشته باشد لااقل نگاه کند ببیند همسایه اش چه کرده است، گفت ما زمین زیاد داریم ولی اینها زمین کم دارند ما قدرش را نمی دانیم ولی اینها قدرش را می دانند، گفتم این یک علت است، علت دیگری هم وجود دارد و آن اینکه شما عقل ندارید و آنها عقل دارند.

من فکر می کنم بحث در باره مهاجرت بدون بررسی مسایل روستایی، بحث کردن در معلول و رها کردن علت است، یعنی شما هر قدر کار کنید، نمی توانید جلوی مهاجرت را بگیرید، خود شما به چه دلیل در شهر زندگی می کنید و چرا به روستا نمی روید؟ به همان دلیل روستائیان به روستا بازمی گردند زمانی که روستائیان می بینند در شهرها همه گونه امکانات در اختیارشان هست انگیزه بازگشت به روستا پیدا نمی کنند و اگر می خواهیم همه اینکارها درست شود جزء جهاد سازندگی آیا راه دیگری وجود دارد. چه کسی می تواند متصدی این امر شود؟

بعلت متفرق نبودن نیروها و وسایل و امکانات لازم جهت ارائه خدمت بهتر است جهاد کارهای استانی را شروع کند. لازم نیست جهاد در تمام استانها کار کند، در یکی دو استان کار کند در انتخابش هم محرومترین استانها را در نظر بگیرد، در سیستان و بلوچستان کار کنید، خراسان را بگذارید بحال خودش، مردم در آنجا از حداقل امکانات برخوردارند، اگر بصورت استانی کار کنید گره کار باز میشود، طوری که هر کس وارد آن استان می شود احساس کند که این استان از هر لحاظ آباد است.

در برابر مشکلات صبر و تحمل داشته باشید، ابتکار بخرج دهید ومشکلات شما را خسته و فرسوده و ناامید نکند، با گفتنها و با شنیدنها با سمینارها شما می توانید راه را بیابید و موفق شوید، در دو، سه جای اگر شما توفیق چشمگیری داشته باشید بقیه برای شما آسان خواهد بود.

جبهه های جنگ ما هنوز فعال هستند، ولی اگر انشاء الله جنگ به نفع اسلام خاتمه پیدا کند، آنوقت جهاد سازندگی ضرورتش و لزومش بیشتر احساس خواهد شد و امیدواریم که خداوند شر حدام خانن را بکند و برای شماها فرصت و امکانات کافی برای نوسازی این مملکت بدهد، و بدست شما کشوری آباد و آسوده و خود کفا داشته باشیم.

انشاء الله

موفق و موید باشید

جهاد سازندگی یکی از ...

بالحادث همان جاده هایی که روی آن تپه های شنی ایجاد کردند و باعث شدند که از جلودانکهای ما، نیروها و ماشینهای ما بروند، دشمن را دور بزنند که در حین حمله یک مرتبه دشمن در حلقه محاصره افتاد. به هر حال هر چه بگوئیم کم گفتیم، خداوند انشاء الله این خدمات را از شما عزیزان قبول بفرماید و شمارا در آینده بیش از پیش موید، موفق و مستدام بدارد و امیدوارم خداوند به زودی زود به پاداش خدمات

و فعالیتهایی که انجام میدهند اسلام را به پیروزی کامل نایل بفرماید، امام امت را در پناه مبارکش از جمیع بلیات ارضی و سمانی حفظ و سایه مبارکش را بر سر ما مستدام بدارد، امام زمان (عج) ما را به فریاد ما برساند و زیارت امام حسین (ع) را به زودی زود بر ما نصیب بفرماید، معلولین و مجروحین ما را لباس عافیت ببوشاند. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته